

ظرفیت‌های حمایتی حقوقی در دادگاه‌های منطقه‌ای از گردشگر مذهبی

علیرضا کشتکار^۱، مسعود راعی دهقی^۲، منوچهر توسلی نائینی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۲۸

چکیده

یکی از انواع گردشگری‌ها، گردشگری مذهبی است که به دلایل مختلفی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. چرا که گردشگر مذهبی با توجه به اینکه در برابر آن عقاید مختلف و بعضاً حتی معاندی وجود دارد، که این امر نشأت گرفته از باورهای مذهبی آنان بوده، آنچنان که علاوه بر مال، جان آنان را نیز به مخاطره می‌اندازد. حال هدف از این پژوهش ضمن بررسی ظرفیت‌های موجود حقوقی و قابلیت‌های که در قواعد و ضوابط دادگاه‌های منطقه‌ای حاکم است، مشخص گردد آیا امکان حمایت از گردشگر مذهبی با ارائه دادخواست‌های حقوقی و یا ارائه شکایات کیفری وجود دارد یا خیر؟ در این مقاله به منظور رسیدن به هدف از روش تحقیق به صورت توصیفی تحلیلی استفاده شده است. نهایتاً نیز نتایج این تحقیق با بیان و تشریح قواعد و ضوابط حاکم بر دادگاه‌های منطقه‌ای نشان داد، که گردشگر مذهبی و یا دولت‌مردان آنان با استفاده از ظرفیت‌های حقوقی و کیفری در قالب قواعد و ضوابط حاکم بر دادگاه‌های منطقه‌ای قادرند بسیاری از تنش‌های سیاسی، اقتصادی در جهان را نه تنها کاهش داده، بلکه موجبات احیاء بخشی از حقوق تضییع شده و همچنین پیشگیری از تکرار موضوعات مشابه در آتی را فراهم نمایند.

واژگان کلیدی: گردشگر مذهبی، ظرفیت‌های حمایتی، دادگاه‌های منطقه‌ای.

^۱ دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران

^۲ استاد تمام، گروه حقوق، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران، (نویسنده مسئول) m.raei@phu.iaun.ac.ir

^۳ دانشیار، گروه حقوق، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

۱- مقدمه

گردشگری مذهبی قدمتی به اندازه ظهور پیامبران ادیان مختلف دارد. پیروان ادیان مختلف از همان سالیان اولیه موحد شدنشان برای انجام مناسک مختلف دینی، اقدام به سفر از محل اسکان خود به نقاط مقدس مورد نظر می‌نموده‌اند، همچون سفرهای ایرانیان باستان به معبد آناهیتا در کنگاور، سفرهای مصریان برای دیدار معابد فراعنه مصر، مراسم مقدس یونانیان باستان در معابد آپولون؛ که این امر نیز در عصر حاضر بصورت بسیار گسترده‌تری انجام می‌پذیرد؛ بنابراین می‌توان گفت گردشگری مذهبی در زمره قدیمی‌ترین و پررونق‌ترین در گذشته و حال در سراسر دنیا تلقی می‌گردد (آجیت، ۲۰۰۴: ۱۴۹)!

اما آنچه که قابل توجه است اینکه، متأسفانه بررسی گردشگری از منظر حقوقی تاکنون بطور مطلوب موفقیت قابل توجهی نداشته است. که این نشان دهنده وجود چالش‌های متعدد در راه توسعه گردشگری بویژه گردشگری مذهبی می‌باشد، که اساسی‌ترین آن چالش‌های مسائل حقوقی و قانونی که پیامد آن همانا تدبیر در چگونگی ظرفیت‌های حمایتی از گردشگران مذهبی می‌باشد. هر چند که تاسیس سازمان جهانی گردشگر از اقدامات مثبت سازمان ملل در راستای شناسایی حقوق و تکالیف گردشگر بوده، ولیکن هنوز تا حمایت کامل راه طولانی جامعه جهانی در پیش دارد. آنچه که مسلم است این که دولت‌ها حق اعمال قدرت در محدود سرزمین خود دارند؛ اما این اعمال قدرت نباید بدون دلیل موجه و عدم توجه به آزادی و حق انتخاب و دیگر حقوق مسلم گردشگر به عنوان نوع بشر خدشه وارد سازد (غریبه، ۱۳۹۰: ۱۸۵).

از طرفی ما بیش از چهار هزار دین در سراسر دنیا وجود دارد و هشتاد و چهار درصد از جمعیت جهان در یک دسته بندی عمده مذهبی جا دارند. ادیان مختلف هر کدام دارای پیروان بی‌شمار که مناسک و مراسم مذهبی خاص خود را دارند. البته مهمترین ادیان زنده دنیا شش دین و آیین معروف شامل بودائیسیم، هندوئیسم، زرتشت، یهودیت، مسیحیت و نهایتاً نیز اسلام می‌باشد. هنری برگسون نویسنده فرانسوی معتقد است، ممکن است جامعه‌ای

¹ Ajit

را یافت که فاقد هنر و صنعت و علم باشد؛ اما غیر ممکن است جامعه‌ای را یافت که فاقد دین و مناسک دینی باشد (رهایی، ۱۳۸۹: ۲۰). متاسفانه ما هر ساله شاهد حوادث مختلف نسبت به گردشگر مذهبی بویژه در دنیای اسلام هستیم، همانند: ۹ مرداد ۱۳۶۶ شمسی مصادف با ۳۱ جولای ۱۹۸۷ میلادی که منجر به کشته شدن ۴۰۲ تن که ۲۷۵ نفر آنان ایرانی بودند و زخمی شدن ۶۴۹ نفر که ۳۰۳ ایرانی در میان آنان بودند. این واقعه در حالی رخ داد که حجاج مشغول سر دادن شعار برائت از مشرکین بودند و با هجوم مسلحانه نیروهای سعودی روبرو شدند. سال ۱۳۸۱ دست کم ۲۵۱ تن به دلیل ازدحام کشته شدند. سال ۱۳۸۳ نیز ۳۴۵ نفر بر اثر ازدحام در مراسم رمی جمرات، کشته شدند.

بنابراین با توجه به جمیع جهات فوق در این مقاله تلاش گردیده تا از گردشگر مذهبی بعنوان کسی که دارای حقوق بشر می باشد، در حوادث گوناگون چه بصورت اتفاقی و یا تعمدی حمایت و از تضییع آن جلوگیری نمایم. حال برای اینکه حمایت‌های لازم در این زمینه به درستی صورت پذیرد، در قدم اول ما نیازمند ارائه دادخواست‌های حقوقی و یا شکایات کیفری مناسب و استفاده بجا و شایسته از قوانین و ضوابط حاکم بر دادگاه‌های منطقه‌ای می‌باشیم. به دیگر سخن در این مقاله سعی شده، چگونگی استفاده از توانمندی و ظرفیت‌های موجود از جمله ضوابط و مقررات حاکم در دادگاه‌های منطقه‌ای بغیر از قاره آسیا که متاسفانه تاکنون فاقد هر گونه دادگاه منطقه‌ای می باشد؛ به منظور دستیابی و همچنین ایجاد یک راه حل در راستای ترتیبات حمایتی از گردشگر مذهبی بعنوان نوع بشر بیان گردد.

۲- مفهوم شناسی واژه ها:

۲-۱- گردشگر مذهبی

کسی است که به سفرهایی اقدام می کند که هدف اصلی آن تجربه مذهبی باشد و جهت انجام فرایض خاص دینی و یا زیارت از مکان‌های متبرکه خاص می‌باشد. شاید بتوان گردشگر مذهبی را بخشی از واقعیت گردشگری در مقیاس ارزشی تعریف نمود که در آن ارزش‌ها و نظام باورهای گردشگرها با انگیزه‌های فراغتی درهم تنیده و در

قلب گردشگر مذهبی تعریف شده است. هرچند که بعضاً نیز شرکت و حضور در کنفرانس‌های مذهبی، رویدادهای فرهنگی مذهبی و اجرای کنسرت موسیقی مذهبی را نیز جزء اعمال خاص گردشگر مذهبی می‌دانند. به عبارت دیگر اینان گردشگرانی فرهنگی هستند که برای زیارت اماکن، آثار، یادمان‌های مذهبی، انجام اعمال مذهبی و دینی، ترویج و آموزش و گذران اوقات فراغت در مکان‌ها و مراکز مذهبی جهان سفر می‌کنند.

۲-۲- ظرفیت‌های حمایتی

دلالت بر مجموعه قواعد و ضوابط حاکم در یک مرجع به منظور حمایت در خصوص یک شی یا یک شخص یا به تعداد کثیری از آن می‌باشد؛ بنابراین آن محقق نمی‌شود مگر در قالب اقدامات مختلف که قدم نخست آن شناسایی قواعد و ضوابط مناسب حمایتی مورد قبول مرجع هدف و قدم بعدی استفاده صحیح از ضوابط و قواعد مربوطه و نظارت بر اجرای دقیق آن در قالب تعریف شده از سوی آن مرجع قضایی یا غیر قضایی می‌باشد.

۲-۳- دادگاه‌های منطقه‌ای

دارای ویژگی‌های مختلف که در پرتو همکاری تعدادی از کشورها غالباً واقع در یک قاره با اهداف مورد نظر بوجود آمده‌اند. چراکه حاکمیت‌ها به این درجه از ادراک رسیده‌اند که به منظور حل سهل‌تر مشکلات توجه به توانایی‌های منطقه‌ای بیشتر می‌تواند بهترین راه ممکن در اکثریت مواقع مدنظر قرار گیرد. به دیگر کلام همکاری و همگرایی در سطح منطقه‌ای به نسبت جهانی به دلایلی همچون اشتراکات نزدیک فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و حتی نزدیکی بافت سیاسی و غیره امکان‌پذیرتر و مؤثرتر می‌باشد؛ که چگونگی ترتیبات حمایتی از گردشگر مذهبی نیز از این قاعده منطقه‌گرایی دور نیست.

۴- دادگاه‌های منطقه‌ای و ظرفیت‌های حمایتی از حقوق گردشگری مذهبی

آنچه را که قبل از ورود به مبحث اصلی در این قسمت باید به آن توجه نماییم، مفهوم منطقه می‌باشد؛ بنابراین باید بدانیم که منطقه در تیترو عبارت از گروهی از کشورها که پروژه‌های سیاسی، قضایی، اقتصادی و غیره مشترک کمابیش صریحی داشته باشند.

یک منطقه باید دارای پنج ویژگی باشد تا موضوعات مختلف در آن قابلیت طرح پیدا نمایند:

۱- منطقه به‌عنوان واحدی صرفاً جغرافیایی با مرزهای تقریباً طبیعی باشد؛ که همان مفهوم هم‌جواری و نزدیکی فیزیکی است (ایوانز و نونام، ۱۳۸۱: ۷۱۵).

۲- منطقه به‌عنوان نظام اجتماعی با وجود مناسبات فرامحلی با ماهیت‌های متفاوت در میان گروه‌های انسانی باشد.

۳- منطقه به‌عنوان همکاری نظام‌مند در هر یک از حوزه‌های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، قضایی بدون همکاری سازمان‌یافته منطقه‌گرایی معنایی ندارد و تنها می‌توان به آن عنوان صوری منطقه داد؛ یا همان پیوند منافع بیان نمود.

۴- منطقه به‌عنوان جامعه مدنی که با شکل‌گیری چارچوب سازمانی ارتباطات اجتماعی و همگرایی ارزش‌ها را در سراسر منطقه ترویج می‌کند.

۵- منطقه به‌عنوان کنشگری فعال با هویتی جداگانه و برخوردار از توانایی نقش‌آفرینی مشروعیت و ساختار تصمیم‌گیری که برآیند نهایی آن می‌تواند (ریترز، ۱۳۷۴: ۶۰۳)؛ یک دولت منطقه‌ای با گستردگی امپراتوری‌های قدیم و نظم سیاسی آزادانه واحدهای سیاسی ملی به شکل اجتماع فوق‌امنیتی باشد؛ که البته امروزه گروه‌بندی امنیتی متقابل نامیده می‌شود (گلان، ۱۳۷۵: ۶۲۳).

ضمن اینکه تجربه کشورها در طول سالیان متمادی در عرصه بین‌الملل نشان داده که منطقه‌گرایی در ابعاد مختلف اقتصادی، سیاسی، حتی قضایی از چند جهت بر جهان‌گرایی مقدم بوده که در ذیل به آن پرداخته می‌شود:

۱- بیشتر بودن اشتراک منافع مادی یا انگارها در سطح منطقه به نسبت سطح جهانی.

۲- آسان تر بودن رسیدن هماهنگی و همکاری و همگرایی در سطح منطقه‌ای به نسبت سطح جهانی.

۳- تأمین بهتر منافع در همکاری‌های سطح منطقه‌ای.

۴- آسان تر بودن کاهش جنگ و تأمین صلح و همکاری‌های قضایی همچون استرداد مجرمین و غیره در

سطح منطقه‌ای. همانند آنچه در پرونده شکایت کشور کلمبیا علیه کشور پرو در نزد دیوان بین‌المللی دادگستری به

همراه سند و دلیل مطرح از سوی کشور کلمبیا در ۳ ژانویه سال ۱۹۴۹ میلادی قرار گرفت. چراکه کشور پرو اقدام

به اعطای پناهندگی به ویکتور راثول هایادلالتوره رهبر سیاسی شورش نظامی در کشور کلمبیا نموده بود که همین

امر موجبات اختلاف شدید مابین دو کشور آمریکایی را فراهم نمود. به دنبال آن کلمبیا لغو اعطای پناهندگی و

استرداد مجرم را از کشور پرو خواستار گردید؛ اما موضوع به دیوان بین‌المللی دادگستری ارجاع و نهایتاً در مورخه

۲۰ نوامبر سال ۱۹۵۰ میلادی کلمبیا نیز ادعای خودش را به استناد کنوانسیون هاوانا عملکرد خلاف کشور پرو را

در نزد دیوان بین‌المللی دادگستری اثبات نمود.

۵- عملی تر بودن حفظ موازنه در درون مناطق.

بیان اصل همکاری در پارامترهای مطرح شده فوق‌الذکر نشانگر اهمیت و ضرورت آن می‌باشد. همان‌گونه

که در بسیاری از احکام مراجع قضایی بین‌المللی نیز بر این اصل تأکیدات مکرر صورت گرفته، همچون پرونده

اختلافی کشور انگلستان و آلبانی در نزد دیوان بین‌المللی دادگستری در خصوص کانال کورفو که در امتداد ساحل

غربی کشور آلبانی و ساحل شرقی جزیره یونانی کورفو قرار دارد، این کانال دریای آدریاتیک در شمال را به دریای

ایونی در جنوب متصل و به‌عنوان یک آبراه بین‌المللی نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ که سه حادثه در هنگام عبور

ناوگان نیروی دریایی انگلستان موجب بروز و شدت اختلافات فی‌مابین دو کشور مذکور گردید که نهایتاً نیز در

نزد دیوان بین‌المللی دادگستری تشکیل پرونده شد. دیوان نیز در مورخه ۲۵ مارس سال ۱۹۴۸ میلادی در حکمش

به اصول مختلف من جمله اصل اطلاع‌رسانی، اصل حسن نیت، اصل حسن هم‌جواری، اصل همکاری تأکید نمود.

پایه و مبنای اصل همکاری را مبتنی بر قواعد ارگامنس بیان نمود، در توضیح بیشتر اظهار داشته که اصل اطلاع‌رسانی

فرع بر اصل همکاری است، چراکه جهت اطلاع‌رسانی باید همکاری وجود داشته باشد. الزام‌آور بودن اصل همکاری به دلیل آن است که این اصل بر پایه قواعد ارگامنس بنا نهاده شده است.

بنابراین توجه به اصل همکاری در منطقه‌گرایی نوین راهی برای رفع مشکلات دگرگونی جهانی است. چراکه دولت‌ها به این درک رسیده‌اند که فاقد توانایی و ابزارهای لازم برای حل این مشکلات در سطح ملی هستند. ضمن اینکه در عرصه بین‌الملل نیز اخذ تصمیمات مهم به‌ویژه قضایی با مشکلاتی بیشتر از تصمیمات منطقه‌ای مواجه می‌باشد.

حال با توجه به توضیحات فوق، چرایی گرایش به ظرفیت‌های حمایتی شبه قضایی منطقه‌ای در عرصه بین‌الملل بیشتر نمایان گردید که در ذیل به نمونه‌های شاخص و مؤثر ظرفیت‌های حمایتی شبه قضایی منطقه‌ای به منظور میسر بودن ترتیباتی باهدف حمایت از گردشگر مذهبی به‌عنوان نوع بشر می‌پردازیم:

۴-۱- ظرفیت‌های حمایتی در دادگاه اروپایی حقوق بشر

نهادهای قضایی استراسبورگ که متشکل از دو نهاد بسیار مهم می‌باشد. شامل:

- ۱- کمیسیون اروپایی حقوق بشر که در سال ۱۹۵۴ میلادی تأسیس شده و شرح آن در قبل بیان گردید.
- ۲- دادگاه اروپایی حقوق بشر در سال ۱۹۵۹ میلادی تأسیس شده است؛ که در مجموع طی فرآیندهایی شکلی خاصی به دادخواهی‌های ارجاع شده، رسیدگی می‌نمایند؛ که البته در پی اصلاح ساختاری که مطابق پروتکل شماره یازده کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در سال ۱۹۹۸ میلادی مرحله جدید برای حقوق بشر تلقی می‌گردد، چرا که اجماع نظر برای لازم الاجرا شدن آن محقق شده بود. از طرفی سیستم دو مرحله نظارت پیش از رسیدگی در دادگاه حذف و صرفاً به یک مرحله بسنده گردیده است. این دادگاه جانشین دادگاهی شد که در سال ۱۹۵۹ میلادی تأسیس شده بود که همراه با کمیسیون اروپایی حقوق بشر به رسیدگی شکایات می‌پرداختند. نکته اساسی اینکه قضات منتخب دوره اول و همچنین تدوین کنندگان پروتکل شماره یازده رسیدگی دقیق را ضروری دانسته‌اند. در واقع تلاش در جهت نیل به سرعت بیشتر با حفظ دقت لازم در امر قضا به‌ویژه در قلمرو حساس نقض حقوق

بشر آن هم در یک مرجع فراملی بوده است؛ که در این رابطه نباید از نقش تکمیلی منشور اجتماعی اروپا در سال ۱۹۹۶ میلادی نیز در تحقق دادگاه اروپایی حقوق بشر غافل شویم.

طبق استدلال دادگاه جدید اروپایی حقوق بشر این گونه حقوق دارای چنان اهمیتی هستند که دولت‌ها آزادی عمل چندانی در اجرای آن‌ها ندارند (ادونل، ۱۹۸۲: ۴۲)!

دادگاه جدید اروپایی حقوق بشر، رأساً به شکایات وارده علیه نقض حقوق و آزادی‌های مصرح در کنوانسیون اروپایی خواهد پرداخت. در کنار رسیدگی به شکایت نقض حقوق بشر در خصوص مسائل حقوق اقدام به تفسیر کنوانسیون اروپایی حقوق بشر نیز در کنار رسیدگی به عدم توجه به حقوق اساسی نیز در دادگاه اروپایی پرداخته می‌شود.

در سال ۱۹۹۸ میلادی همه اعضا اقدام به تصویب یکصد و چهار ماده قانونی نمودند. نکته اینکه طبق ماده ۱۰۴، مصوبات جدید از ابتداء ماه نوامبر سال ۱۹۹۸ میلادی لازم الاجرا می‌باشند. ضمناً مجموع این قواعد به مسائل مهمی همانند نحوه استماع دعوی، چگونگی تشکیل شعب و کمیته‌ها، نحوه کارکرد دادگاه و چگونگی صدور آراء مشورتی و همچنین نحوه معاضدت‌های قضایی و صدور احکام را در برداشته است.

دادگاه اروپایی حقوق بشر در قالب وظایف جدید علاوه بر رسیدگی به شکایات کشور های عضو علیه یکدیگر به شکایات اشخاص و نهاد های غیر دولتی بر علیه کشور های عضو نیز رسیدگی می‌نماید.

هر چند که دادگاه اروپایی حقوق بشر همواره اذعان داشته که حقوق افراد، مصونیت دولت‌ها را خدشه‌دار نمی‌کند (برنکام، ۲۰۱۲: ۴۵)!

حال به واسطه آگاهی از حوزه اختیارات و چگونگی مراجعه جهت تظلم خواهی به ویژه در خصوص گردشگر مذهبی نزد دادگاه اروپایی حقوق بشر لازم است، با قوانین ساختاری البته مرتبط از بابت نحوه و چگونگی

¹ O'Donnell

² Bornkamm

ارائه شکایت در این نهاد قضایی به‌ویژه در حوزه حقوق بشر جهت استفاده در حمایت از حقوق گردشگر مذهبی به مواد ذیل توجه نماییم:

۱- طبق ماده بیست‌وهفت؛ دادگاه اروپایی حقوق بشر دارای کمیته‌هایی متشکل از سه قاضی و شعبی متشکل از هفت قاضی و یک شعبه عالی که متشکل از هفده قاضی از جمله رئیس دادگاه و معاونان او خواهد بود.

۲- بر اساس ماده سی‌وسه؛ کنوانسیون جدید، کشور های عضو می توانند درخواست شکایت در راستای نقض مفاد کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و پروتکل های وابسته به آن علیه دیگر اعضا ارائه نمایند.

۳- بر اساس ماده سی‌وچهار؛ هر کشور عضو که موجبات نقض حقوق و قوانین در کنوانسیون و پروتکل های مربوطه را فراهم نماید، محق طرح شکایت افراد و نهاد های غیر دولتی و گروه ها می باشند و دادگاه رسیدگی می نمایند.

از نکات مثبت مطرح شده در ماده ۳۴ کنوانسیون این است که، افرادی که در حیطه جغرافیایی کشور های عضو دادگاه اروپایی به عنوان شهروندان غیر اتباع زیست می نمایند، نیز می توانند نسبت به نقض حقوق آنان توسط هر یک از کشور های عضو شکایت نمایند. این گونه حقوق به ویژه برای گردشگر مذهبی، مهاجران، پناهندگان و ساکنان غیر تبعه کشورهای اروپایی به عنوان یک منبع حمایتی قابل توجه به شمار می آید.

۴- طبق بند یک ماده سی‌وپنج پیش بینی شده است؛ ارائه دادخواست صرفاً بعد از گذشت شش ماه بعد از آخرین تصمیم مراجع داخلی امکان پذیر می باشد. اینگونه پیش بینی حداکثر شش ماهه صرفاً به جهت ممانعت از طرح شکایات متعدد می باشد که زمان طولانی از آن گذشته است. با هدف محدود کردن و کاهش حجم پرونده ها به دادگاه می باشد. از طرفی نیز با توجه به سطح آگاهی عمومی مردم هر چند در مواردی نیز ممکن است این محدودیت موجبات تضییع حقوق برخی از شهروندان را فراهم نماید.

۵- بر اساس بند دو ماده سی‌وپنج کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، افراد و نهاد های غیر دولتی ناشناخته و فاقد نام نمی توانند اقدام به ارائه شکایات به دادگاه نمایند. منطبق حقوقی حاکم بر این شرط هم به‌خوبی روشن

است. چراکه دادگاه یک مرجع قضایی برای حل و فصل دعاوی و رسیدگی به شکایات است؛ نه یک مرجع نظارتی صرف.

۶- طبق بند دو ماده سی و پنج تصریح شده؛ که دادگاه به پرونده‌هایی که قبلاً توسط این دادگاه و یا مرجع تحقیق و یا حل و فصل بین‌المللی دیگری ارائه شده، مورد بررسی قرار گرفته و حاوی اطلاعات تازه‌ای در مورد پرونده نیست، رسیدگی نخواهد کرد. در حقیقت دادگاه، اصل عدم رسیدگی مجدد به قضیه محکوم بهاء را در این مورد جاری می‌داند.

۷- طبق بند سه ماده سی و پنج کنوانسیون؛ دادگاه تنها به دادخواست و شکایاتی رسیدگی می‌نماید که در چارچوب نقض‌های حقوقی پیش‌بینی شده تنظیم شده باشد.

۸- بر اساس بند سه ماده سی و پنج، دادگاه شکایت افراد و سازمان‌های غیردولتی را که غیر منطبق با قوانین و کنوانسیون‌ها تشخیص داده شود، پذیرفته نخواهد شد. عبارتی شکایات به علل مختلف که در چارچوب قوانین قرار ندارند عملاً رسیدگی نمی‌شود. همچون مواردی که دادخواست و شکایات در خصوص موضوعات خارج از قوانین و کنوانسیون می‌باشد و یا کشور مشتکی عنه آن پروتکل را نپذیرفته باشد. نگاهی گذرا به حقوق مندرج در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در این خصوص می‌تواند، مفید باشد. چراکه اصول حقوقی حاکم بر دادگاه اروپایی حقوق بشر همان اصولی و قواعدی است که در کمیسیون حقوق بشر اروپایی ذکر آن رفته است. ماده دو حق حیات، ماده سه ممنوعیت شکنجه، ماده چهار ممنوعیت برده‌داری و کار اجباری، ماده پنج حق آزادی‌های فردی، ماده شش حق دسترسی به دادرسی‌های منصفانه، ماده هفت ممنوعیت کیفر بدون قانون، ماده هشت احترام به زندگی خانوادگی و خصوصی افراد، ماده نه آزادی عقیده و فکر و مذهب، ماده ده آزادی بیان، ماده یازده آزادی تجمعات و اتحادیه‌ها، ماده دوازده حق نکاح، ماده سیزده حق بهره‌مند شدن از جبران خسارت، ماده چهارده ممنوعیت هرگونه تبعیض. البته استفاده از مواد مذکور با شرایط پرونده‌های قضایی متفاوت می‌باشد. به‌عنوان مثال همانند آنچه در پرونده هافمن علیه دولت استرالیا در دیوان اروپایی حقوق بشر رخ داد؛ چراکه این دیوان به استناد مواد هشت حق احترام به خانواده و ماده چهارده منع تبعیض علی‌رغم نقض ماده نه حکم علیه خواهان صادر نمود.

بنابراین باید توجه داشته باشیم که طبق ماده ۳۴ کنوانسیون اروپایی سال ۱۹۵۰ میلادی به منظور حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی دادخواست افراد و نهاد‌های غیر دولتی نیز قابل پذیرش می‌باشد.

اما نکته ضروری اینکه دیوان توجه ویژه نیز به حاشیه وسیع ارزیابی در امورات محوله در مراحل رسیدگی نیز دارد. حاشیه وسیع ارزیابی به این معناست که دیوان صلاحیت کامل ارزیابی را به دولت‌ها اعطا می‌نماید. این صلاحیت که هم شامل صلاحیت قضایی و هم شامل صلاحیت اجرایی است، در مورد این مطلب است که آیا وقایع موجود برای اعلام وضعیت فوق‌العاده کافی بوده‌اند یا خیر.

همانند قضیه برانینگان و مک براید علیه انگلستان از جمله مواردی است که در آن دیوان اروپایی حقوق بشر صلاحیت وسیع ارزیابی برای دولت‌ها قائل شده است.

ولیکن نکته مهم در رویه دادگاه اروپایی حقوق بشر در خصوص تشریح آزادی‌های مذهبی این است که همان‌گونه که ماده نه در بخش کمیسیون اروپایی حقوق بشر شرح آن بیان گردید، مرجع مذکور تفسیر بسیار وسیعی از واژه مذهب را معتقد می‌باشد. به‌عنوان نمونه در پرونده سنان ایسیک علیه دولت ترکیه که خواهان از علویان ترکیه مدعی بود که در اوراق هویتی او باید به‌جای اسلام عنوان مذهب درج شود؛ که استدلال آن نیز این حق را از حقوق فطری خود می‌دانست. نهایتاً نیز دیوان اروپایی دولت ترکیه را محکوم به نقض تعهد حقوق بشری نمود.

بنابراین می‌توان اذعان نمود که دادگاه اروپایی حقوق بشر برای آزادی مذهب و دین جایگاه ویژه‌ای قائل می‌باشد. بنابراین دادگاه اروپایی حقوق بشر بسیار غنی‌تر از دیگر اشکال حقوق و آزادی‌ها مطروحه نسبت به موضوع فوق نظر ویژه دارد (فوهرمان، ۲۰۰۰: ۱۲)!

به عبارتی ضمن تأکید بر اهمیت آزادی‌های مذهبی، طبق ماده ۹ طیف گسترده‌ای از فلسفه‌های غیر دینی و عقاید غیر دینی به‌عنوان بخشی از آزادی‌های مذهبی تلقی گردیده، به عبارتی در کنار ادیان الهی بعضی از فرق ناشناخته به‌عنوان مذهب محسوب می‌شود (شمسی، ۱۳۹۰: ۱۶۳). همانند آنچه در احکام دیوان اروپایی حقوق بشر در

¹ Fuhrmann

خصوص پلاتفرم استرالیا و همچنین آنجلی علیه سوئد، به وضوح مشخص و مسلم گردیده، حتی تا جایی که احترام به اعتقادات منکران وجود خدا، کافران نیز باید لحاظ گردد.

به عبارتی باید توجه داشته باشیم که دادگاه اروپایی حقوق بشر آزادی مذهب و عقیده را محدود به ادیان و مذاهب الهی ندانسته به گونه ای که تعداد بیشتری از ادیان و مذاهب و عقاید را در بر می گیرد به صورتی که بی دینان و لادری ها را نیز در نزد خود پذیرفته است. همچون آنچه را که در حکم دیوان اروپایی حقوق بشر در پرونده شکایت فول جرو علیه کشور نروژ که بر اولین بار در سال ۲۰۰۷ میلادی به وقوع پیوست، چرا که دولت نروژ برنامه درسی مقطع ابتدائی درس مسیحیت و فلسفه حیات را به جای درس مذهب و فلسفه قرارداد که همین امر موجبات اعتراض اعضای انجمن اومانستی نروژ گردید، ولیکن وقتی شکایتشان در دادگاه ملی به نتیجه نرسید، اقدام به طرح آن در دیوان اروپایی حقوق بشر نمودند. دیوان نیز نقض ماده دو پروتکل یک، حق آموزش را توسط دولت نروژ اعلام داشت. با استدلال اینکه دیگر ادیان غیر مسیحی باید از وجود محیط باز و فراگیر مدرسه بر اساس اصول پلورالیسم در نظام آموزشی نروژ مطمئن گردند؛ بنابراین با توجه به آنچه را که در مطالب فوق الذکر مطرح شد، در خصوص ساختار نسبت در نوع پذیرش شکایات و مواد قانونی متعدد حقوقی حمایتی از نوع بشر دولت ها و افراد می توانند، شکایات مربوط به تضييع حقوق گردشگر مذهبی را به عنوان نوع بشر باظرافت در چگونگی بیان و طرح آن نزد این نهاد و مرجع قضایی در حیطه قاره اروپا ارائه و درخواست پیشگیری و جبران خسارات در کنار صدور حکم مقتضی برای عاملان تضييع آن حقوق شناخته شده، بنمایند.

۴-۲- ظرفیت های حمایتی در دادگاه آمریکایی حقوق

دادگاه آمریکایی حقوق بشر در سال ۱۹۶۹ طبق کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر در صدد اجرای مفاد و قوانین و به منظور تفسیر آن به رسمیت جامع رسید. نهایتاً نیز در سال ۱۹۷۹ میلادی با تشکیلات جدید در واشنگتن شروع به کار نمود.

نکته قابل توجه اینکه در مقدمه کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر؛ در واقع موجب متحد شدن در قالب نهاد های دموکراتیک به منظور محقق نمودن آزادی های شخصی و برقراری عدالت اجتماعی براساس حقوق بایسته انسانها مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر و تاکید بر حقوق افراد بدون تعلق آنان به یک دولت یا ملیت خاص می باشد و توجه به شخصیت انسانی به عنوان ملاک حقوق بشر در نظر گرفته شده است (پروین، ۱۳۸۷: ۱۲۵).

ضمن اینکه دادگاه آمریکایی حقوق بشر تفسیر گسترده ای از کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر را ارائه می دهد؛ که با در نظر گرفتن اصل به کارگیری منصفانه، تفسیر کامل تری را ضمن به کارگیری سایر معاهدات ارائه می کند. نتیجه این است که در عمل، دادگاه آمریکایی حقوق بشر محتوای کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر را اصلاح می کند. بدین ترتیب است که کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر ضمن به رسمیت شناختن بسیاری از حقوق ماهوی مهم و بنیادین در راستای اجرای آنها به تدوین مقرراتی در تأسیس این نهاد نظارتی مهم پرداخته که گام مهمی را در سطح منطقه ای در نظام حقوق بشر کشورهای آمریکایی در جهت ترویج تقویت و حمایت از حقوق بشر برداشته است. با آنکه دیوان آمریکایی حقوق بشر از لحاظ فنی سازمانی مستقل از کشورهای آمریکایی محسوب می گردد، اما در چارچوب نهاد حمایتی از حقوق بشر در نظام قضایی قاره آمریکا به شمار می آید (آکهرست، ۱۹۹۸: ۷۲)!

بنابر آنچه گفته شد دادگاه آمریکایی حقوق بشر گام نخست در شناسایی ارگان های صلاحیت دار جهت نظارت و اجرای مقررات کمیسیون بین المللی آمریکایی حقوق بشر صورت پذیرفته است. ضمن اینکه اصول پذیرفته شده در اساسنامه دادگاه آمریکایی حقوق بشر همان اصول حاکم بر کمیسیون بین المللی آمریکایی حقوق بشر که در ذیل به مهم ترین آنان با توجه به اهداف این رساله به منظور چگونگی ظرفیت های حمایتی از گردشگر مذهبی در نزد این دادگاه به صورت گزینه ای پرداخته می شود.

فصل اول، به تعهدات عام و کلی دولت های عضو اشاره نموده:

¹ Akeherst

۱- طبق ماده یک، تعهد به رعایت حقوق بشر و آزادی‌های به رسمیت شناخته‌شده، در این کنوانسیون و احترام تضمین آن‌ها را نسبت به تمامی انسان‌ها بدون هرگونه تبعیض خواستار شده است. از جمله حق داشتن خانواده، همانند آنچه در پرونده آرتاویا موریلو به طرفیت کشور کاستاریکا در نزد دادگاه آمریکایی حقوق بشر مطرح گردید. دادگاه آمریکایی حقوق بشر نهایتاً بیان داشت، در اسرع وقت اقدامات مناسب را کشور کاستاریکا اتخاذ نماید تا ممنوعیت عمل IVF بی‌نتیجه باشد. دولت باید ظرف شش ماه در مورد اقدامات اتخاذشده در این زمینه مطابق با بند ۳۳۶ این حکم گزارش دهد. در اسرع وقت، جنبه‌هایی را که برای اجرای IVF ضروری می‌داند، با در نظر گرفتن اصول تعیین‌شده در این حکم تنظیم نموده و باید سیستم‌های بازرسی و کنترل کیفیت مؤسسات یا متخصصان واجد شرایط را که این نوع از آن‌ها را توسعه می‌دهند، ایجاد کند. مطابق بند ۳۳۷ این حکم، دولت باید سالانه در مورد اجرای تدریجی این سیستم‌ها گزارش دهد. مطابق وظیفه تضمین اصل عدم تبعیض، در مراقبت‌های بهداشتی و درمانی آن‌ها در دسترس بودن IVF را در برنامه‌ها و درمان‌های ناباروری خود بگنجانند. دولت کاستاریکا باید هر شش ماه در مورد اقدامات اتخاذشده گزارش دهد تا این خدمات طبق برنامه ۳۳۸ این رأی به تدریج در دسترس افراد نیازمند و برنامه‌هایی که برای این منظور طراحی شده‌اند، شود. مطابق مفاد بند ۳۲۶ این رأی، از طریق مؤسسات بهداشتی تخصصی دولتی خود تا چهار سال از مراقبت‌های روانی رایگان و فوری برای قربانیان استفاده گردد. انتشارات مندرج در بند ۳۲۹ این رأی را در مدت شش ماه از زمان ابلاغ، انجام دهد. اجرای برنامه‌ها و دوره‌های آموزشی و آموزش دائمی در مورد حقوق بشر، حقوق تولیدمثل و عدم تبعیض تأکید گردید. نهایتاً نیز مبالغ تعیین‌شده در بندهای ۳۵۵ و ۳۶۳ این رأی را برای جبران خسارات مالی و غیرمالی و بازپرداخت هزینه‌ها و هزینه‌ها طبق بند ۳۷۳ رأی اعلام نمود (آرتاویا موریلو، ۲۰۱۲)؛ بنابراین دادگاه آمریکایی حقوق بشر با این حکم تأکید و احترام به حقوق بشری در زمینه‌ی حق تشکیل خانواده و داشتن فرزند که در کنوانسیون‌های متعدد نیز به‌عنوان یک ماده واحد مستقل مطرح شده، در نظر داشته است.

¹ Artavia Murillo

۲- طبق ماده دو، لزوم اتخاذ راهکارهای قانونی توسط دولت‌های عضو جهت اجرای مقررات کنوانسیون در سطح داخلی مورد تأکید قرار گرفته است.

فصل دوم تا حدودی گسترده بوده و شامل مواد سوم تا بیست و پنجم می‌شود؛ که مطابق آن‌ها مهم‌ترین حقوق مدنی و سیاسی که در سطح سازمان کشورهای آمریکایی به رسمیت شناخته شده، در این فصل درج گردیده است؛ که به‌طور خلاصه مهم‌ترین حقوق مورد نظر ما به‌واسطه اسناد حمایتی از گردشگر مذهبی به‌عنوان نوع بشر در فصل دوم عبارت‌اند از:

۱- حق شناسایی در برابر قانون به‌عنوان شخص، طبق ماده هفت؛

۲- حق بر رفتار و برخورد انسانی و ممنوعیت شکنجه و رفتارهای غیرانسانی، تحقیرآمیز و ظالمانه، طبق ماده نه؛

۳- حق آزادی شخصی و امنیت خصوصی و ممنوعیت دستگیری و بازداشت خودسرانه، طبق ماده یازده؛

۴- حق دادرسی عادلانه، طبق ماده دوازده؛

۵- حق جبران خسارت، طبق ماده چهارده؛

۶- حق آزادی وجدان و مذهب، طبق ماده شانزده؛

۷- حق پاسخ، طبق ماده هیجده؛

۸- حق تابعیت، طبق ماده بیست و چهار؛

۹- آزادی عبور و مرور و اقامت، طبق ماده بیست و شش؛ که به استناد این ماده در دیگر محاکم قضایی

منطقه‌ای همچون دادگاه آفریقایی حقوق بشر احکام قابل توجهی همچون پرونده کندی جیهانا و دیگران علیه دولت رواندا به علت لغو روایت ایشان بدون دلیل محکمه‌پسند و یک‌طرفه مطرح و ضمن بیان توهین و تحقیر از سوی قضات دولت رواندا خواستار احقاق حقوقشان نسبت به حق آزادی حرکت و دیگر مواد حمایتی در مورخه ۲۸ نوامبر سال ۲۰۱۹ میلادی داشتند.

۱۰- حق حمایت قضایی، طبق ماده بیست و نه.

البته بدیهی است که این حقوق و آزادی‌ها برخی مطلق‌اند و برخی هم دارای قیود و محدودیت‌هایی هستند، همانند ماده شانزده مبنی بر حق آزادی مذهب در دیوان آمریکایی حقوق بشر نیز همچون دیوان اروپایی حقوق بشر دارای محدودیت‌های زمانی و مکانی نیز می‌باشد؛ در این راستا الگوبرداری از دیوان اروپایی حقوق بشر و توجه به احکام صادره در خصوص آزادی‌های مذهبی به‌عنوان رویه و دکترین قضایی مورد توجه دیوان آمریکایی حقوق بشر قرار دارد، احکامی همچون پرونده مانوساکیس علیه دولت یونان در سال ۱۹۹۶ میلادی که استدلال به شرایط و جهات گوناگون در زمان ابرازی دینی توسط خواهان‌ها توسط دیوان لحاظ و برای آن با توجه به همان شرایط تصمیم‌گیری نموده‌اند. بارها در پرونده‌های گوناگون این امر تأکید شده است.

فصل چهارم که شامل مواد بیست و هفتم تا سی و یکم می‌باشد که در آن‌ها به مقرراتی درباره تعلیق تضمین‌ها تفسیر و اجرا مقررات کنوانسیون تصریح گردیده است.

۱- طبق بند یک ماده بیست و هفت؛ اشاره به این نکته دارد که امکان تعلیق برخی از حقوق و آزادی‌ها در زمان جنگ و خطر عمومی و دیگر خطرات اضطراری که استقلال و امنیت کشور را تهدید می‌کند؛ وجود دارد.

۲- طبق بند دوم ماده بیست و هفت؛ هم برخی از موارد را به‌طور خاص برشمرده و آن‌ها را از شمول بند یک فوق‌الذکر خارج نموده و تعلیق این موارد را به‌هیچ‌وجه مجاز نمی‌داند.

۳- طبق ماده بیست و نه؛ نیز محدودیت‌هایی را در خصوص تغییر مقررات کنوانسیون مقرر نموده تا بدین وسیله از تفسیر کنوانسیون به شکلی که موجب محرومیت شخص یا دولت‌های برشمرده شده، در این کنوانسیون تصریح شده و آن‌ها را تنها بر اساس قانون و به جهت مصالح عمومی و مطابق با اهدافی که این محدودیت‌ها برای آن‌ها تعیین شده موجه می‌داند.

فصل هشتم، نیز که به نحوه ترکیب، تشکیل، انتخاب اعضاء، مدت انجام وظایف آن‌ها و چگونگی ویژگی‌های شخصی و انتخاب آن‌ها و سایر مقررات مربوط به صلاحیت و وظایف دادگاه آمریکایی حقوق بشر و اقدامات آن و آیین رسیدگی دیوان در مواد پنجاه دو تا شصت و نه گنجانده شده است. نکته اینکه اقدام سازمان

بین‌المللی که فراتر از محدوده اختیارات وظایف تخصصی آن باشد، اعتباری نخواهد داشت. ولیکن از مهمترین مباحثی که دادگاه آمریکایی حقوق بشر از آن برخوردار است، صلاحیت ترافیعی و مشورتی می باشد.

۱- صلاحیت ترافیعی دادگاه آمریکایی حقوق بشر؛ زمانی محقق می گردد که دولت ها به واسطه صدور اعلامیه یا امضاء موافقت نامه ای صلاحیت دیوان را درباره رسیدگی ترافیعی قبول دار شده باشند. چراکه قوانین خاص، اراده طرفین را بهتر منعکس می سازند، به علت اینکه به یک موضوع مشخص از روابط حقوقی ارتباط پیدا می کنند (کریستن، ۲۰۱۳: ۱۳۶)!

ضمناً احکام صادره به واسطه صلاحیت ترافیعی از سوی دیوان برای همه اعضاء لازم الاجرا می باشد. از طرفی نیز جبران خسارت از حقوق بایسته در احکام صادره دیوان لحاظ می گردد. نکته قابل توجه اینکه بسیاری از دیوانها و دادگاههای بین‌المللی حقوق بشری، از ابتدا محدوده اختیارات خود را در خصوص جبران خسارت و حصول رضایت دولت‌ها به تمکین در برابر احکام آنها مشخص می کنند (شلتن، ۲۰۰۵: ۲)!

۲- صلاحیت مشورتی دادگاه آمریکایی حقوق بشر؛ از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای برخوردار می باشد. براساس ماده بند یک ماده ۶۴ کنوانسیون آمریکایی، همگی کشورها بدون استثناء در خصوص حقوق بشر دارای حق تفسیر و ارائه نظر مشورتی به دادگاه آمریکایی حقوق بشر می باشند. گسترده ترین صلاحیت مشورتی در ما بین دیگر مراجع بین‌المللی از آن دادگاه آمریکایی حقوق بشر می باشد. اما نکات اساسی به منظور شناخت چگونگی ظرفیت‌های حمایتی در نزد این دادگاه از گردشگر مذهبی اینکه:

۱- طبق مواد شصت و یک و پنجاه و یک کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر؛ شکایت افراد نیز از طریق طرح دعاوی صرفاً از سوی دولت های عضو و کمیسیون مربوطه توسط دادگاه آمریکایی حقوق بشر ممکن می باشد. نکته قابل توجه اینکه چنانچه در هنگام صدور حکم نظر اجماع وجود نداشته باشد، نظرات مخالف قضات نیز باید

¹ Kristen

² Shelton

منتشر گردد. ضمن آنکه قضات هرگز مجاز به اتخاذ تصمیم قضایی بر مبنای اطلاعاتی به‌غیراز آنچه در جریان دادرسی ارائه‌شده و در معرض بحث و مجادله بین طرفین قرار گرفته است، نمی‌باشند (باچاند، ۲۰۰۵: ۲۶).

آراء دادگاه آمریکایی حقوق بشر قطعی و غیرقابل پژوهش بوده و برای تمامی کنوانسیون الزام‌آور است که این حکم به طرفین دعوی و دیگر اعضای کنوانسیون ابلاغ می‌شود.

۲- براساس بند دو ماده سی‌وشش کنوانسیون آمریکایی؛ با اتخاذ اقدامات تامینی مناسب نسبت به دولت های خاطی با هدف پیشگیری از ورود خسارت های جبران ناپذیر و حمایت از اشخاص در اوضاع و احوال خطرناک و اضطراب شدید از سوی دادگاه آمریکایی حقوق بشر میسر می‌باشد. همانند عملکرد دادگاه آمریکایی حقوق بشر در پرونده ممولی علیه کشور آرژانتین در مورخه ۱۰ فوریه سال ۲۰۱۷ میلادی که دادگاه آمریکایی حقوق بشر ضمن تأکید حل و فصل روند مدنی آغاز شده علیه آقای ممولی اقدامات لازم در خصوص مهار عمومی دارایی هایی نامبرده نیز از سوی دولت آرژانتین صورت پذیرد. دادگاه آمریکایی حقوق بشر آقای ممولی را محق دریافت جبران خسارات وارده از سوی دولت آرژانتین نیز دانست (ممولی، ۲۰۱۷: ۱۶).

۳- براساس ماده ۴۴ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر؛ درخواست نقض یا عدم انجام تعهدات ناشی از کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر می‌تواند توسط افراد یا نهاد های غیر دولتی به شرط آنکه حداقل در یک کشور عضو سازمان آمریکایی به رسمیت شناخته شده باشند، در نزد این دادگاه به صورت شکایت مطرح گردد. به عبارتی دیوان آمریکایی حقوق بشر به گونه ای است که شکایات می‌بایست یا از طریق کمیسیون آمریکایی حقوق بشر و یا یکی از کشورهای عضو دریافت شده مطرح گردد. از طرفی نیز سازمان های غیر دولتی و اشخاص صرفاً از طریق ارائه شکایات به کمیسیون آمریکایی حقوق بشر می‌توانند اقدام نمایند همانند پرونده فیلم آخرین وسوسه مسیح در ۵ فوریه سال ۲۰۰۱ میلادی که نهایتاً به علت شکایت اولمدو بوستوس علیه کشور شیلی از سوی دادگاه آمریکایی حقوق بشر پذیرفته و ضمن اجازه نمایش فیلم مذکور به دست‌اندرکاران پخش آن، غرامت‌های ممانعت‌های قبلی

¹ Bachand

² Memoli

به همراه کلیه هزینه‌های دادرسی در تمامی مراحل اعم از داخلی و تا آخرین مرحله یعنی دادگاه آمریکایی حقوق بشر به اضافه مبلغ چهار هزار و دویست نود دلار آمریکا به عنوان جریمه ممانعت از پخش فیلم مذکور نیز از سوی کمیسیون پیگیری و پرداخت گردید (المدو بوستوس، ۲۰۰۱: ۶۹)!

ضمناً سازمان‌های غیردولتی در اکثر رسیدگی‌های کمیسیون به عنوان دوست دادگاه مشارکت می‌کنند، این ظرفیت ضمن افزایش همکاری‌های بین‌المللی، بستر لازم برای ارتقاء و حمایت از حقوق بشر در سطوح داخلی و بین‌المللی را فراهم خواهد نمود (بادرین و مانیسولی، ۲۰۱۰: ۹۶)!

برای نمونه می‌توان به مشارکت:

۳-۱- رسیدگی به اوضاع و احوال اشخاص محروم از آزادی در کشور السالوادور در ماه مارس سال ۲۰۱۵ میلادی در مرکز عدالت و حقوق بین‌الملل.

۳-۲- رسیدگی به شکایات مبنی بر خشونت علیه سرخ پوستان در کشور برزیل در ماه اکتبر سال ۲۰۱۵ میلادی در فدراسیون بین‌الملل حقوق بشر.

۳-۳- رسیدگی به شکایات در خصوص اوضاع و احوال کودکان بر اساس کنوانسیون حقوق کودک و خانواده‌های مهاجر و پناهنده به کشور آمریکا در اتحادیه آزادی مدنی آمریکا اشاره کرد.

بنابراین آنچه تاکنون شرح آن بیان شد، تنها کمیسیون آمریکایی حقوق بشر و دولت‌هایی عضو کنوانسیون آمریکایی هستند که می‌توانند در دادگاه آمریکایی حقوق بشر طرح شکایت کنند. سازمان‌های غیردولتی، آن‌چنان که گفته شد؛ باید شکایات خود را نزد کمیسیون مطرح کنند.

با این تفاسیر دادگاه آمریکایی حقوق بشر را می‌توان در شمار مهم‌ترین نهادهای نظارتی حقوق بشر مدرن دانست؛ بنابراین در راستای حمایت از گردشگر مذهبی به عنوان نوع بشر افراد و دولت‌ها متبوع آنان می‌توانند جهت پیگیری تضييع حقوقشان به عنوان يك مرجع قضایی از سوی گردشگر با تابعیت هر يك از کشورهای قاره آمریکا

¹ Olmedo Bustos

² Baderin & Manisuli

و یا گردشگری که به این قاره سفر نموده و حقوقش در آن مکان (محل وقوع جرم) تضییع شده، با ارائه و طرح شکایت به واسطه کمیسیون آمریکایی حقوق بشر نزد دادگاه آمریکایی حقوق بشر موضوع را پیگیری و تقاضای احقاق حق نمایند.

۳-۴- ظرفیت‌های حمایتی در دادگاه آفریقایی حقوق بشر

با توجه به بررسی دعاوی ارجاعی به کمیسیون آفریقایی حقوق بشر می‌توان نتیجه گرفت که دولت‌های آفریقایی چندان در رعایت موازین و هنجارهای حقوق بشری موفق نبوده‌اند و حتی برای گریز از این موضوع قوانینی را در داخل کشور خود به تصویب رسانده‌اند. ضمن اینکه بیشتر دعاوی مطرح در این کمیسیون راجع به امور مدنی و سیاسی است که این امر نشانگر عدم رعایت حقوق اولیه شامل حق حیات و منع شکنجه می‌باشد. هر چند که باید توجه داشته باشیم، شکنجه معنای عامی دارد و درد و رنج‌های ناشی از مجازات قانونی را نیز دربرمی‌گیرد (ظریف، ۱۳۷۸: ۵۲۶).

بنابراین به دلیل عدم کار آیی و لازم‌الاجرا نبودن مقررات کمیسیون آفریقایی حقوق بشر، نیاز به ایجاد یک نهاد جدید که بتواند با اتخاذ تصمیمات لازم‌الاجرا به منظور حمایت از حقوق بایسته در منشور نقش موثری ایفا نماید. از طرفی به منظور اتخاذ تصمیمات لازم‌الاجرا در سال ۱۹۹۸ میلادی پروتکلی به منشور آفریقایی حقوق بشر اضافه و نهایتاً نیز خود منجر به تشکیل دادگاه آفریقایی حقوق بشر در سال ۲۰۰۲ میلادی گردید و مقر آن در پایتخت کشور تانزانیا قرار گرفت و در واقع برای رفع نقاط ضعف موجود در کمیسیون آفریقایی حقوق بشر به شمار می‌رود (فلیپ، ۱۳۸۶: ۲۳).

درواقع ما شاهد حضور دیوان آفریقایی حقوق بشر در کنار کمیسیون هستیم تا مکمل و تقویت‌کننده یکدیگر باشند. دادگاه آفریقایی حقوق بشر دارای دو صلاحیت به شرح ذیل می‌باشد:

الف- طبق ماده ۳ دادگاه آفریقایی حقوق بشر دارای صلاحیت توافعی می‌باشد. اصل صلاحیت در صلاحیت نیز در بند ۲ ماده فوق به عنوان اصل کلی که در تمامی نظام‌های حقوقی پذیرفته شده مد نظر قرار گرفته

است. از طرفی مواد ۳۴ و ۵ اساسنامه دیوان مذکور در صدد بیان این مسئله می باشد که اتباع هر یک از اعضاء که متضرر گردیده اند در قالب صلاحیت ترافیعی دیوان قابل طرح به عنوان شکایت دولت عضو بر علیه دولت متشکی عنه می باشند. هر چند که کشور ها با صدور اعلامیه پذیرش صلاحیت دیوان را نسبت به رسیدگی به شکایات اشخاص و سازمان های غیر دولتی اعلام کرده باشند، نیز قابلیت رسیدگی در دیوان مذکور را پیدا می نماید.

بنابراین اشخاص و سازمان های غیردولتی می توانند از طریق کمیسیون پرونده و شکایاتشان را به دیوان آفریقایی حقوق بشر ببرند. هر چند که قطعاً این مستلزم وقت و زمان زیادی می باشد. نکته اساسی اینکه دیوان آفریقایی حقوق بشر به دلیل محدودیت امکانات در جمع آوری ادله نیازمند گزارشات ارسالی از کمیسیون جهت رسیدگی دقیق می باشد. به عبارتی گزارش های غیر الزامی کمیسیون از طریق دیوان آفریقایی حقوق بشر تبدیل به اسنادی الزامی می شوند.

طبق ماده ۲ اساسنامه دیوان آفریقایی حقوق بشر، وظیفه دیوان تکمیل وظیفه حمایتی کمیسیون است.

طبق ماده ۴ اساسنامه دیوان آفریقایی حقوق بشر، دیوان دارای صلاحیت مشورتی می باشد. آنچه مهم تلقی می گردد، این نکته ضروری است که حل و فصل اختلافات تنها کارکرد نهادهای حقوق بشری نیست. هر چند که تفسیر و شفاف سازی معاهدات نیز از وظایف این نهاد می باشد تا بدین وسیله کشور ها و نهاد های ملی و غیر ملی در اجرای قوانین بین المللی هدایت گردند؛ بنابراین می توان گفت، رسالت مذکور در قالب صلاحیت مشورتی به نهادهای حقوق بشری داده شده، هر چند الزام آور نیستند. تنها محدودیت در نظریه مشورتی دیوان آفریقایی حقوق بشر وجود دارد اینکه، نباید راجع به موضوعی باشد که کمیسیون در رابطه با آن شروع به رسیدگی نموده باشد.

دیوان آفریقایی حقوق بشر می تواند با درخواست یک دولت عضو اتحادیه آفریقا، ارکان آن سازمان یا هر سازمان دیگر آفریقایی که از طرف اتحادیه شناسایی شده باشد، به صدور نظریه مشورتی پردازد.

طبق ماده ۶ اساسنامه دیوان آفریقایی حقوق بشر، دیوان می‌تواند پرونده‌ها را جهت تکمیل تحقیقات به کمیسیون ارجاع نماید (کلایر، ۲۰۰۵: ۲۰۵).^۱

دیوان آفریقایی حقوق بشر نیز طبق ماده ۷ اساسنامه مذکور دولت‌های آفریقایی را به دلیل نقض اسناد جهانی، منطقه‌ای می‌تواند محکوم نماید. همچون آنچه در پرونده دعوا علیه کشور مصر به وقوع پیوست که حقوق و آزادی‌های شناخته شده طبق ماده هشت کمیسیون آفریقایی حقوق بشر خواهان، به خاطر اعتقادات دینی او به صورت تبعیض آمیز توسط دولت مصر نقض شده؛ به او اجازه ابراز آزادانه افکار مذهبی‌اش را نداده‌اند. هرچند که توجیه رأی دادگاه به واسطه موضوع اضطراب باعث منتفی شدن دعوی علیه کشور مصر می‌گردد. ولیکن در همان حکم اشاره شده که منشور به دولت‌ها اجازه نمی‌دهد که از تعهدات خود به بهانه اوضاع اضطراب عدول نمایند، همچنین تأکید می‌گردد که محدود نمودن حقوق بشر راه‌حل مشکلات ملی نیست.

طبق ماده ۸ اساسنامه دیوان آفریقایی حقوق بشر، امکان رجوع سازمان‌های غیردولتی و اشخاص به دیوان مهیا می‌باشد. حتی در خصوص عدم محقق شدن خواسته‌های حقوقی توأم با کیفری همچون پرونده ماریام کوما و دیگران علیه جمهوری مالی در نزد دادگاه آفریقایی حقوق بشر در مورخه ۲۱ مارس سال ۲۰۱۸ میلادی که به واسطه صدور حکم کیفری مبنی بر یک سال حبس از بابت ایراد صدمات بدنی به شاکی از سوی متهم بوسورو و همچنین شکایت وکیل متهم به علت عدم توجه به جبران خسارت مالی و حقوقی از سوی خانم ماریام کوما در کنار عدم توجه به سطح هوش و ادراک بوسورو از سوی دادگاه‌های کشور جمهوری مالی (ماریام و اسمانا دیابات، ۲۰۱۶: ۵۶).^۲

طبق بند ۲ ماده ۱۰ اساسنامه دیوان آفریقایی حقوق بشر، که برای تضمین حقوق افراد مبنی بر حق داشتن وکیل و نماینده در حین جلسات رسیدگی لحاظ گردیده است. همانند آنچه در پرونده امیر رمدانی علیه کشور تانزانیا در مورخه ۲۵ ژوئن سال ۲۰۲۱ میلادی مورد تأکید دادگاه آفریقایی حقوق بشر قرار گرفت، چراکه در روند

¹ Claire

² Mariam & Ousmane Diabate

رسیدگی دادگاه به این نتیجه رسید که دولت تانزانیا بعضی از مواد را از جمله ماده یک را برای یک دادرسی عادلانه و حق کمک حقوقی رایگان نسبت به ایمر رمدانی نقض نموده، بنابراین ملزم به پرداخت خسارات مذکور می‌باشد (امیر رمدحانی، ۲۰۱۵: ۳۳)!

طبق بند ۱ ماده ۱۴ اساسنامه دیوان آفریقایی حقوق بشر، در سال باید چهار بار جلسه عادی برگزار کند که هر کدام ۱۵ روزه طول می‌انجامد.

طبق بند ۴ ماده ۱۵ اساسنامه دیوان آفریقایی حقوق بشر، دیوان یک دادگاه همیشگی نیست و بر اساس بند مذکور صرفاً ریاست دیوان به صورت دائم در مرکز دیوان حضور فعالانه دارد.

طبق ماده ۲۴ اساسنامه دیوان آفریقایی حقوق بشر، راجع به محتوای آرای دیوان می‌باشد، مبنی بر اینکه ترتیبات مناسب برای جبران نقض حقوق بشر و پرداخت خسارت و صدور تدابیر موقت صادر می‌نماید. همچون آنچه کمیسیون آفریقایی حقوق بشر در مورخه ۳ ژوئن سال ۲۰۱۶ میلادی نسبت به شکایت خانم میشانا حوسینیون به وکالت از آقای سیف الاسلام قذافی علیه دولت انتقال ملی لیبی گرفت، چراکه دولت انتقال ملی لیبی فرد مذکور را بازداشت و بدون دسترسی حتی به وکیل و بدون دادگاهی شدن و اثبات جرمی نسبت به ایشان، در یک مکان مخفی نگهداری نمودند. به گونه‌ای که جان و سلامتی بازداشت‌شده در معرض خطر و بیم صدمات جبران‌ناپذیر می‌رفت. کمیسیون آفریقایی حقوق بشر دستور موقت برای توقف شکل بازداشت و مهیا نمودن موجبات محاکمه عادلانه را از دولت انتقال ملی لیبی خواستار گردید.

طبق بند ۱ ماده ۲۸ اساسنامه دیوان آفریقایی حقوق بشر، دیوان باید ظرف ۹۰ روز از پایان بررسی خود به صدور حکم مبادرت کند (جولیا، ۲۰۰۲: ۱۹۸)!

طبق ماده ۳۰ اساسنامه دیوان آفریقایی حقوق بشر، دولت‌های عضو اساسنامه اجرای حکم را تضمین می‌نمایند.

طبق ماده ۳۱ اساسنامه دیوان آفریقایی حقوق بشر، در صورتی که حکمی از احکام صادره اجرا نگردد دیوان می بایست به صورت گزارش سالانه به مجمع ارسال نماید. چرا که با تصمیمات مجمع مبنی بر اتخاذ مجازات های جایگزین اقتصادی و سیاسی کشور عضو خاطی را وادار به اجرا می نمایند.

بنابراین مجموعه قواعد فوق الذکر در خصوص اختیارات و محدودیت فعالیت این نهاد حقوق بشری در قاره آفریقا می تواند، به عنوان یک مرجع قضایی منطقه ای و حتی بین المللی مدنظر در راستای ظرفیت های حمایتی از گردشگر مذهبی قرار گیرد. چرا که چارچوب حمایتی حقوق بشری آن در راستای اصول و قواعد از پیش تعیین شده از سوی سازمان های حقوق بشری در عرصه بین الملل می باشد؛ بنابراین با توجه به اینکه ما در طول سال شاهد حضور گردشگر مذهبی از این قاره به دیگر نقاط جهان می باشیم و از طرفی نیز در حرکت های درون قاره ای شاهد حضور گردشگر مذهبی ادیان مختلف در این قاره هستیم، دیوان آفریقایی حقوق بشر قطعاً می تواند به عنوان تظلم گاهی از سوی گردشگر مذهبی متضرر از عدم رعایت حقوق بایسته اش تلقی گردد.

نتیجه گیری

آنچه را که دولتمردان باید به منظور تحقق کامل ترتیبات حمایتی از گردشگر مذهبی قطعاً مورد توجه قرار دهند شکل و نوع دادخواست و طرح شکایتشان در نزد محاکم قضایی منطقه ای می باشد؛ چرا که تفاوت بسیار در نتایج هر نوع از آنان بعنوان ضمانت های اجرایی مربوطه با یکدیگر وجود دارد. همانگونه که گفته شد اولین دادگاه منطقه ای حائز اهمیت در ظرفیت های حمایتی از گردشگر مذهبی دادگاه اروپایی حقوق بشر می باشد، که مهم ترین مواد عبارت اند از: ماده سی و سه که بر اساس آن هر یک از کشورهای عضو حق دعوا علیه دیگر کشورها نزد این دادگاه را دارا می باشند. از طرفی نیز طبق ماده سی و چهار آن، افراد و گروه ها و همچنین سازمان ها و نهادهای غیردولتی نیز می توانند علیه هر یک از کشورهای عضو در نزد این دادگاه اروپایی اقامه دعوی نمایند. نکته اساسی اینکه طبق ماده سی و چهار افراد صرف نظر از تابعیتشان حق مراجعه به دادگاه اروپایی حقوق بشری را دارند، مهاجران، پناهندگان، ساکنان غیر تبعه کشورهای اروپایی و غیره را نیز شامل می گردد. هرچند که دانستن ماده سی و پنج نیز

جهت ارائه شکایات از سوی افراد و سازمان‌ها و نهادهای غیردولتی و همچنین دولتمردان لازم و ضروری که قبلاً شرح کامل آن رفته است. ضمن آنکه مواد چهارده گانه حقوق بشری در دادگاه اروپایی حقوق بشر از اهمیت دوچندان برخوردار می‌باشد. دادگاه اروپایی حقوق بشر نیز توجه خاصی به آزادی‌های مذهبی داشته که در همین راستا نیز بارها اقدام به صدور احکام حمایتی متعدد که دربرگیرنده آزادی‌های دینی و مذهبی افراد در جوامع بشری به‌ویژه اروپایی می‌باشد. احکام صادره از سوی دادگاه اروپایی حقوق بشر دلالت بر حمایت از هرگونه آیین داشته به‌گونه‌ای که حتی ادیان، آیین‌ها و عقاید گوناگون حتی بی‌دینان و لادری‌ها را نیز تا آنجا که باعث نقض حقوق و آزادی‌های دیگر افراد را فراهم ننموده، در بر گرفته است. بنابراین دادگاه اروپایی حقوق بشر می‌تواند به‌عنوان یک ترتیب حمایتی از گردشگر مذهبی توسط شخص گردشگر و سازمان‌ها و نهادهای غیردولتی و همچنین دولتمردان متبوع گردشگر مذهبی مدنظر قرار گیرد. دادگاه اروپایی حقوق بشر یک نهاد قضایی منطقه‌ای که ظرفیت جهانی را نیز به‌ویژه در خصوص ناقضین حقوق بشری دارا می‌باشد. چراکه با پشتوانه‌های سیاسی موجود در عرصه بین‌الملل که بعضاً نیز از قدرت‌های برتر اقتصادی و نظامی مطرح در عرصه بین‌الملل بوده، می‌توان به‌عنوان ضمانت‌های احکام دادگاه اروپایی حقوق بشر بشمار آورد. اما دادگاه آمریکایی حقوق بشر نیز در ماده یک آن به رعایت حقوق بشر و آزادی‌های آن و در ماده دو آن نیز تأکید به اتخاذ راهکارهای از سوی کشورهای عضو به‌منظور بکارگیری قواعد حاکم بر این دادگاه در قوانین داخلی خود به‌منظور نزدیک شدن به اهداف این نهاد قضایی یعنی توجه به جمیع جهات حقوق بشری می‌باشد. نکته اینکه طبق مواد شصت و یک و همچنین پنجاه و یک افراد و گروه‌ها نمی‌توانند اقامه دعوی رأساً در نزد دادگاه آمریکایی حقوق بشر داشته باشند. به عبارتی شکایات آنان می‌بایست از سوی کمیسیون آمریکایی حقوق بشر و یا دولت عضو در نزد این دادگاه مطرح به رسیدگی گردند؛ اما نکته برجسته آن این است که دادگاه آمریکایی حقوق بشر در زمانی که شرایط خطرناک و اضطراری شدید نسبت به نقض حقوق افراد وجود دارد می‌تواند تصمیماتی پیشگیرانه‌ای و اقدامات تأمینی را اتخاذ نماید؛ بنابراین می‌توان دادگاه آمریکایی حقوق بشر را نیز در شمار مهم‌ترین نهادهای قضایی حقوق بشر به شکل نوین در قاره آمریکا تلقی نمود که در سایه آن گردشگر مذهبی به‌عنوان فرد و نوع بشر و یا با حمایت سازمان‌های غیردولتی حقوق بشری با واسطه‌ای همچون

کمیسیون آمریکایی حقوق بشر در کنار دولتمردان متبوع گردشگر مذهبی می‌توانند، تظلم خواهی و خواستار پیشگیری و نهایتاً جبران خسارات و حقوق تضییع شده‌شان بنمایند. نهایتاً نیز دادگاه آفریقایی حقوق بشر که از مهم‌ترین مواد اساسنامه‌ای، ماده شش آن که امکان ارسال پرونده‌ها را جهت انجام و تکمیل تحقیقات به کمیسیون آفریقایی حقوق بشر و همچنین ماده هفت اساسنامه که بر اساس آن می‌توان دولت‌های آفریقایی را به علت نقض اسناد جهانی و همچنین منطقه‌ای که به تصویب نهایی رسیده‌اند، محاکمه و نهایتاً نیز در صورت اثبات نقض محکوم نمود. ضمناً ماده بیست و چهار اساسنامه مذکور چگونگی ترتیبات مناسب برای جبران نقض حقوق بشر و میزان پرداخت خسارات و حتی صدور تدابیر پیشگیرانه موقت را بیان می‌نماید. ماده سی این اساسنامه نیز پشتوانه و ضمانت اجرای احکام صادره را دولت‌های عضو اساسنامه دادگاه آفریقایی حقوق بشر اعلام داشته است. ماده هشت نیز که امکان رجوع سازمان‌ها و نهادهای غیردولتی و مهم‌تر از آن افراد را نیز به دادگاه آفریقایی حقوق بشر مهیا نموده است. بنابراین جمیع دادگاه‌های منطقه‌ای فوق‌الذکر به‌عنوان یک نهاد قضایی منطقه‌ای قابلیت‌ها و ظرفیت‌های متعددی را ایجاد نموده‌اند. که افراد در قالب گردشگر مذهبی در کنار دیگر نهادهای حقوق بشری و همچنین دولتمردان متبوعشان می‌توانند اقامه دعوی و تظلم خواهی و حتی درخواست صدور اقدامات تأمینی مناسب نسبت به حقوق تضییع شده مربوطه بنمایند.

منابع

- ۱- ایوانز، گک؛ نونام، ج. (۱۳۸۱). فرهنگ روابط بین الملل، ترجمه حمیرا مشیرزاده و حسین شریفی طراز کوهی، تهران: نشر میزان.
- ۲- پروین خ. (۱۳۷۸). حقوق بشر و تأثیر آن بر حاکمیت ملی دولت‌ها، فصلنامه حقوق، ۳۸(۴): ۱۲۵-۱۳۷.
- ۳- رهایی، س. (۱۳۸۹). آزادی دینی از منظر حقوق بین الملل با نگاهی به رهیافت اسلامی، انتشارات دانشگاه مفید.
- ۴- ریتزر ج. (۱۳۷۴)، نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.

۵- شمس، ا. (۱۳۹۰). تعهدات حقوقی بین‌المللی اروپا در خصوص آزادی حجاب. فصلنامه سیاست خارجی، ۲۵(۱): ۱۷۰-۱۴۷.

۶- ظریف، م. (۱۳۷۸). اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری و الحاق ایران به آن در دیوان کیفری بین‌المللی و جمهوری اسلامی ایران، به اهتمام اسحاق آل حبيب، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

۷- غریبه، ع. (۱۳۹۰). حق گردشگری و حقوق عمومی گردشگران خارجی، فصلنامه علمی-پژوهشی فضای جغرافیایی، ۱۱(۳۵): ۲۰۸-۱۸۵.

۸- فلیپ، ل. (۱۳۸۶). نهادها و سازوکارهای منطقه‌ای حمایت از حقوق بشر. مترجمان: زمانی ق، وکیل ا. و عسکر پ. چاپ اول. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.

۹- گلان، گ. (۱۳۷۹). درآمدی بر حقوق بین‌الملل عمومی، ترجمه محمدحسین حافظیان، تهران: نشر میزان.

1- Ajit, SK. (2004). Quest For Good Governance, Contribution Find Potential Of Religious Institutions As Stakeholders, Presented At “The Quest For Good Governance” Organized By The Monash Governance Research Unit & Monash Institute For The Study Of Global Movements.

2- Akeherst, M. (1998). A Modern Introduction to International Law. 6th Edition, New York: London, Unwin Hyman.

3- Amir Ramadhani V. (2015). United Republic of Tanzania, Application. No.010/2015.

4- Bachand, F. (2005). The Proof Of Foreign Normative Facts which. Influence Domestic Rules. Sgood Hall Law Journal, 43(3): 26-38.

5- Baderin, M. & Manisuli, S. (2010). International Human Rights Law: Six Decades After -The UDHR And Beyond, Ashgate Publishing, Ltd, UK.

6- Bornkamm, PC. (2012). State Immunity Against Claims Arising From War Crimes: Thejudgment Of The International Court Of Justice In Jurisdictional Immunities Of The State. German Law Journal, 13(6): 45-58.

7- Claire, M. (2005). Terrorism as a State of Emergency in International Law” (paper presented atThe Anzsil 2005 Conference, Canberra.

- 8- Fuhrmann, W. (2000). Perspectives on Religious Freedom from the Vantage Point of the European Court of Human Rights, *Binghamr Young University Law Review*, 2(3): 12-34.
- 9- Julia, H. (2002). The African court on human and people's rights, the African charter on human and peoples rights the system of practice.
- 10- Kristen, E. (2013). The Role of Lex Specialis in the Articles on the Responsibility of International Organizations, in: Maurizio Ragazzi (ed), *Responsibility of International Organizations: Essays in Memory of Sir Ian Brownlie*, Martinus Nijhoff Publishers.
- 11- Mariam, K. & Ousmane Diabate, V. (2016). Republic of Mali, Application. No.040/2016.
- 12- Memoli V. (2017). Argentina: Reparations Declared Completed. Chile: Reparations Carried out.
- 13- O'Donnell, T. (1982). The Margin Of appreciation Doctrine: Standards in The Jurisprudence of The European Court of Humanrights. *Humanrights Quarterly*, 4(4): 42-56.
- 14- Olmedo Bustos, V. (2001). The Case of Ultima Tentacion De Cristo. Chile: Reparations Carried out.
- 15- Shelton, D. (2005). *Remedies In International Human Rights Law*. Oxford University Press.

Legal protection capacities in regional courts of religious tourists

Abstract

One of the types of tourism is religious tourism, which has a special place for various reasons. Because religious tourism, considering that there are different opinions and sometimes even objections against it, which originates from their religious beliefs, so that in addition to their money, it also puts their lives at risk..Now, the purpose of this research is to examine the existing legal capacities and the capabilities that prevail in the rules and regulations of the regional courts. It should be determined whether it is possible to support religious tourists by submitting legal petitions or submitting criminal complaints or not? In this article, in order to achieve the goal, a descriptive analytical research method has been used. Finally, the results of this research showed by stating and explaining the rules and regulations governing the regional courts. that religious tourists or their statesmen, by using their legal and criminal capacities in the form of rules and regulations governing regional courts, are able to not only reduce many political and economic tensions in the world, Rather, they should provide the means to restore the violated rights and also prevent the repetition of similar issues in the future.

Key Words: Religious Tourist, protection capacities, Regional Courts.